

ارزیابی رویکردهای مترجمان در ترجمه عبارت «أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ» در آیه

۸۷ سوره هود^۱

رسول محمد جعفری^۲

چکیده

از مهم‌ترین تلاش‌های قرآن‌پژوهان، ترجمه قرآن به زبان فارسی بوده است. در این ترجمه‌ها لغزش‌هایی وجود دارد که لازم است بررسی شود، از جمله آن‌ها ترجمه عبارت «أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ» در آیه ۸۷ سوره هود است. با بررسی ۳۲ ترجمه قرآن روشن گردید که مترجمان چهار روش متفاوت داشته‌اند: ۱- در ۱۵ ترجمه، «أَنْ نَفْعَلَ» به صورت منفی: «أَنْ لَا نَفْعَلَ» ترجمه شده است، قرینه‌ای دال بر تقدیر «لا» نفی وجود ندارد، ۲- در ۵ مورد «أَنْ نَفْعَلَ» به صورت عطف بر «أَنْ تَتْرُكَ» ترجمه شده است، این ترجمه، معنای نادرستی از آیه ارائه کرده است، ۳- در ۲ ترجمه برای آن‌که مترجمان معنای صحیحی ارائه دهند، افعالی را اضافه کرده‌اند، قرینه‌ای بر آن وجود ندارد، ۴- در ۱۰ ترجمه مترجمان عبارت: «أَوْ أَنْ نَفْعَلَ...» را به «مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا» عطف و ترجمه کرده‌اند، این ترجمه صحیح است. طبق یافته‌های پژوهش حاضر روشن گردید که توجه دقیق و علمی به جایگاه ادبی واژگان و عبارات قرآنی، نقش بسزایی در ارائه ترجمه صحیح دارد، از این رو ضرورت دارد ترجمه‌پژوهان، رویکردهای ادبی مترجمان را با دقت مورد بررسی قرار دهند.

واژه‌های راهنما: آیه ۸۷ سوره هود، ترجمه فارسی، قرآن، نحو، نقد ترجمه

۱. این مقاله در تاریخ ۱۴۰۲/۰۷/۰۱ دریافت شد و در تاریخ ۱۴۰۲/۱۰/۱۲ به تصویب رسید.

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران؛ پست الکترونیک:

r.mjafari@shahed.ac.ir

مقدمه

از مهم‌ترین اقدامات در آستان خدمت به قرآن، ترجمه آن جهت امکان فهم و انس افزون‌تر توده مردمان غیر عرب با این کتاب الهی بوده است. اگرچه سابقه ترجمه قرآن ریشه در دوران کهن دارد، چنان‌که نوشته‌اند: ایرانیان به سلمان نامه نوشتند و از او خواستند که سوره فاتحه را—که در نماز می‌خواندند—برای آنان ترجمه کند (سرخسی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص. ۳۷). با این وجود حجم انبوهی از این اقدام ارزشمند در دوره معاصر رقم خورده و ترجمه‌های فراوانی به‌ویژه به زبان فارسی نگاشته شده است، اما از آن‌جا که ترجمه، محصولی بشری است و هر دستاورد انسانی نیز مصون از خطا نیست، در ترجمه‌ها لغزش‌هایی وجود دارد که لازم است در بوته نقد نهاده شود.

یکی از زمینه‌های نقد در حوزه ترجمه‌های قرآن، رویکردهای مترجمان در چگونگی برگردان برخی عبارت‌های قرآنی است که پیوند استواری با اندوخته‌های ادبی آنان دارد. یکی از عبارت‌های قرآنی—که مفسران و نحویان از دیرباز درباره جایگاه اعرابی آن به بحث پرداخته‌اند—عبارت «أَوْ أَنْ نَفْعَلْ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ» در آیه «قَالُوا يَا شُعَيْبُ أَصَلَاتُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ نَتْرُكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ نَفْعَلْ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ» (هود/۸۷) است. به دلیل تکرار حرف «أَنْ» ناصبه، ممکن است این تلقی به وجود آید که «أَنْ نَفْعَلْ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ» عطف بر «أَنْ نَتْرُكَ» و عامل در هر دو، فعل «تَأْمُرُكَ» باشد (تَأْمُرُكَ أَنْ نَتْرُكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ تَأْمُرُكَ أَنْ نَفْعَلْ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ)؛ عطفی که معنای نادرستی از آیه را پدیدار می‌سازد.

ابن‌هشام در فصلی از «مغنی اللیب» نمونه‌هایی از آیات قرآن را بیان کرده که اعراب و تعیین جایگاه نحوی آن‌ها بر اساس توجه به ظاهر لفظ و عدم دقت در مفاد آن، معنای نادرستی در پی داشته است، اولین مثالی که بیان می‌کند عطف عبارت «أَوْ أَنْ نَفْعَلْ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ» در

۳- تو را امر می‌کند آنچه پدرانمان می‌پرستیدند، ترک کنیم یا تو را امر می‌کند از این که در اموال خودمان آنچه را که می‌خواهیم ترک کنیم.

آیه ۸۷ سوره هود است؛ وی می‌نویسد: از ظاهر آیه به ذهن متبادر می‌شود که عبارت «أَنْ نَفْعَلَّ» معطوف بر «أَنْ نَتْرُكَ» است و این باطل است (ابن‌هشام، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص. ۵۲۹).

اهمیت فهم درست این عبارت، زمینه و اهمیت بررسی و مطالعه ترجمه‌های فارسی در ترجمه آن را اقتضا دارد.

بررسی ترجمه‌های فارسی موجود نشان از آن دارد که بسیاری از ترجمه‌ها در برگردان عبارت قرآنی مذکور صحیح عمل نکرده‌اند و بدان‌ها نقد وارد است، از این روی پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی در پی پاسخ به این سؤال است که ارزیابی رویکردهای مترجمان در ترجمه عبارت «أَوْ أَنْ نَفْعَلَّ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ» در آیه ۸۷ سوره هود چگونه است؟ طبق بررسی‌های صورت گرفته در موضوع حاضر پژوهشی نگاشته نشده است؛ اگرچه در موضوع نقد و بررسی لغزش‌های مترجمان در ترجمه واژگان، عبارات و جملات قرآن، آثار متعددی سامان یافته است.

۱- دیدگاه مفسران و نحویان درباره معطوف علیه عبارت: «أَوْ أَنْ نَفْعَلَّ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ»

جایگاه اعرابی و معطوف علیه عبارت: «أَوْ أَنْ نَفْعَلَّ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ» در آیه ۸۷ سوره هود از شکل‌گیری نخستین تفاسیر و کتاب‌های اعراب قرآن مورد توجه عالمان قرار گرفته و در اغلب تفاسیر از آن بحث شده است. در ادامه دیدگاه‌ها درباره محل عطف این عبارت گزارش و تبیین می‌گردد.

۱-۱- عطف به «مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا»

پرتکرارترین دیدگاه، عطف عبارت «أَوْ أَنْ نَفْعَلَّ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ» به «مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا» است؛ طبق این دیدگاه، آیه به نزدیک‌ترین موضع، عطف می‌شود: «قَالُوا يَا شُعَيْبُ أَمْوَالِنَا مَا نَفْعَلُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ نَتْرُكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ نَفْعَلَّ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ»، بنا بر این دیدگاه، فعل «أَنْ نَتْرُكَ» در هر دو عبارت عمل کرده است و جمله در اصل چنین خواهد بود: «تَأْمُرُكَ أَنْ نَتْرُكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ نَفْعَلَّ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ». «ما» در «مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا» می‌تواند موصوله یا مصدریه باشد؛ اگرچه با توجه به سیاق و عطف «أَنْ نَفْعَلَّ» بدان، مصدریه بودن آن ترجیح دارد و

ارزیابی رویکردهای مترجمان در ترجمه عبارت «أَوْ أَنْ نَفَعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ» . . . ۲۷

با تأویل آن‌ها می‌توان عبارت را چنین نوشت: «أَنْ نَتْرَكَ عِبَادَةَ آبَائِنَا وَ فَعَلَ مَا نَشَاءُ فِي أَمْوَالِنَا» (ابن‌انباری، ۱۳۶۲، ج ۲، ص. ۲۶).

فراء نوشته است: عامل این عبارت، فعل «أَنْ نَتْرَكَ» است و معنای آن چنین خواهد بود: «یا تو را امر می‌کند از این‌که در اموال خودمان آنچه را که می‌خواهیم ترک کنیم» (أو تَأْمُرُكَ أَنْ نَتْرَكَ أَنْ نَفَعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ) (فراء، ۱۹۸۰م، ج ۲، ص. ۲۵). طبری گوید: برخی بصری‌ها و کوفی‌ها بر این دیدگاه هستند که «أَنْ نَفَعَلَ فِي أَمْوَالِنَا» عطف بر «مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا» است و معنای عبارت چنین خواهد بود: «أَصْلَاتُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ نَتْرَكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا، أَوْ أَنْ نَتْرَكَ أَنْ نَفَعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ». صحیح نیست «أَنْ نَفَعَلَ فِي أَمْوَالِنَا» عطف بر «أَنْ نَتْرَكَ» شود تا معنا شود: «نماز تو امر می‌کند آنچه می‌خواهیم در اموالمان انجام دهیم»؛ خداوند آنان را بر این مطلب امر نکرده است (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۲، ص. ۶۲). نحّاس در «اعراب القرآن» — که کهن‌ترین اثر به جای مانده در موضوع خود است — «أَنْ نَفَعَلَ فِي أَمْوَالِنَا» را بر «مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا» معطوف دانسته است (نحّاس، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص. ۱۸۰).

مفسران و ادیبان دیگری که این وجه اعرابی را بیان کرده‌اند از قرار ذیل هستند: طوسی (بی تا ج ۶، ص. ۵۰)، ثعلبی (۱۴۲۲ق، ج ۵، ص. ۱۸۶)، قیسی (۱۴۲۳ق، ص. ۳۵۴)، طبری (۱۳۷۲، ج ۵، ص. ۲۸۴) ابن عطیه (۱۴۲۲ق، ج ۳، ص. ۲۰۰)، ابن جوزی (۱۴۲۲ق، ج ۲، ص. ۳۹۶)، ابن‌انباری (۱۳۶۲، ج ۲، ص. ۲۶)، ابن‌هشام (۱۴۰۴ق، ج ۲، ص. ۵۲۹)، فخر رازی (۱۴۲۰ق، ج ۱۸، ص. ۳۸۷)، ابوحیان (۱۴۲۰ق، ج ۶، ص. ۱۹۷)، کاشانی (۱۴۲۳ق، ج ۳، ص. ۳۰۶)، سیوطی (۱۴۲۱ق، ج ۱، ص. ۵۴۴)، طریحی (۱۳۷۵، ج ۶، ص. ۳۸۴)، قمی مشهدی (۱۳۶۸، ج ۶، ص. ۲۲۷)، شوکانی (۱۴۱۴ق، ج ۲، ص. ۵۸۸)، ابن‌عاشور (۱۴۲۰ق، ج ۱۱، ص. ۳۱۳)، مراغی (بی تا، ج ۱۲، ص. ۷۳)، صدیق‌حسن‌خان (۱۴۲۰ق، ج ۳، ص. ۳۴۸)، نووی (۱۴۱۷ق، ج ۱، ص. ۵۱۵)، درویش (۱۴۱۵ق، ج ۴، ص. ۴۱۶-۴۱۷)، زحیلی (۱۴۱۱ق، ج ۱۲، ص. ۱۲۴)، صافی (۱۴۱۸ق، ج ۱۲، ص. ۳۳۴-۳۳۵)، ابیاری (۱۴۰۵ق، ج ۴، ص. ۲۲۲)، شرف‌الدین (۱۴۲۰ق، ج ۴، ص. ۸۹)، دره (۱۴۳۰ق، ج ۴، ص. ۴۹۳) و علوان (۱۴۲۷ق، ج ۲، ص. ۱۰۳۴).

۲-۱- عطف به «أَنْ تَتْرُكَ»

عطف عبارت: «أَوْ أَنْ نَفَعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ» بر عبارت: «أَنْ تَتْرُكَ» یکی دیگر از وجوه اعرابی محتمل است. در خصوص این وجه، با توجه به حالت‌های مطرح برای قرائت دو فعل «نفعل» و «نشاء»، چهار احتمال مطرح است: ۱- عطف به «أَنْ تَتْرُكَ» با قرائت «نفعل» و «نشاء» (قرائت مشهور)، ۲- عطف به «تَأْمُرُكَ» و در نظر گرفتن فعل نهی در مقابل فعل امر معطوف علیه («تَأْمُرُكَ»). ۳- عطف به «أَنْ تَتْرُكَ» با قرائت «نفعل» و «نشاء»، ۴- عطف به «أَنْ تَتْرُكَ» با قرائت «تفعل» و «تشاء».

۱-۲-۱- عطف به «أَنْ تَتْرُكَ» با قرائت «نفعل» و «نشاء»

وجه ناصواب در اعراب: «أَوْ أَنْ نَفَعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ» عطف آن به «أَنْ تَتْرُكَ» با حفظ قرائت مشهور دو فعل «نفعل» و «نشاء» (صورت متکلم مع الغیر) است؛ چنان‌که گذشت این وجه، معنای نادرست و خلاف مراد قرآن را به دست می‌دهد. محمود صافی هنگام اعراب آیه، این وجه را نوشته است: مصدر مؤول «أَنْ نَفَعَلَ» معطوف بر مصدر مؤول نخست («أَنْ تَتْرُكَ») است (صافی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۲، ص. ۳۳۳)، اما اندکی جلوتر وجه مشهور و صحیح را برگزیده است و سخن ابن‌هشام در این زمینه و نیز دیدگاه ابوالبقاء عکبری که بر این وجه معتقد است گزارش کرده است (صافی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۲، ص. ۳۳۴-۳۳۵).

۱-۲-۲- عطف به «تَأْمُرُكَ» و در نظر گرفتن فعل نهی در مقابل فعل امر معطوف علیه («تَأْمُرُكَ»)

وجه دیگری که درباره معطوف علیه عبارت: «أَوْ أَنْ نَفَعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ» مطرح شده است، تقدیر فعل «تنهی» در ابتدای «أَنْ نَفَعَلَ...» و عطف آن با فعل مقدر، به عبارت «أَنْ تَتْرُكَ» است. فراء در معانی القرآن نوشته است: طبق این وجه فعل امر در معطوف به صورت نهی عمل می‌کند و گویا جمله چنین بوده است: «أُصَلِّاتُكَ تَأْمُرُكَ بِذَا وَ تَنْهَانَا عَنْ ذَا» (فراء، ۱۹۸۰م، ج ۲، ص. ۲۵)، طبری (۱۴۱۲ق، ج ۱۲، ص. ۶۲)، نحاس (۱۴۲۱ق، ج ۲، ص. ۱۸۰)، طوسی (بی‌تا، ج ۶، ص. ۵۰) و فخر رازی (۱۴۲۰ق، ج ۱۸، ص. ۳۸۷)، این وجه را گزارش کرده‌اند. با تقدیر فعل «تنهی» معنای عبارت چنین خواهد بود: «یا (نهی می‌کنی) از این‌که در اموالمان آنچه می‌خواهیم انجام دهیم».

ارزیابی رویکردهای مترجمان در ترجمه عبارت «أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ» . . . ۲۹

۱-۲-۳- عطف به «أَنْ تَتْرُكَ» با قرائت «تشاء»

دیگر احتمال در عطف عبارت: «أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ» به «أَنْ تَتْرُكَ» با قرائت فعل «تشاء» به صورت «تشاء» (مفرد مذکر مخاطب) است؛ برخی قراءت چنین قرائتی را داشته‌اند. با این قرائت محذوری وجود ندارد و عبارت معنایی صحیح خواهد داشت (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۲، ص ۶۲). ظاهراً در فرض آنان، عطف به «أَنْ تَتْرُكَ» با قرائت «تشاء» معنای ناصوبی از آیه پدید می‌آورده است، لذا آن را به صورت «تشاء» قرائت کرده‌اند. با این قرائت معنای آیه چنین خواهد بود: «آیا نماز تو امر می‌کند رها کنیم آنچه پدرانمان می‌پرستیدند یا امر می‌کند درباره اموالمان آن‌طور که تو می‌خواهی عمل کنیم» (أُ صِلُوتُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ تَتْرُكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ تَأْمُرُكَ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا تَشَاءُ). قرائت «تشاء» از ابن عباس، أبو عبد الرحمن و طلحه (ابوحیان، ۱۴۲۰ق، ج ۶، ص ۱۹۷) گزارش شده است. به هر روی این وجه تنها به عنوان یک احتمال در برخی تفاسیر و کتب اعراب قرآن در کنار وجه اول (عطف به «مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا») مطرح گردیده و به عنوان وجه قطعی مطرح نشده است. قیسی (۱۴۲۳ق، ص ۳۵۴)، شوکانی (۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۵۸۸)، صدیق‌حسن‌خان (۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۳۴۸) و ایبیری (۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۲۲۳) این احتمال را مطرح کرده‌اند.

۱-۲-۴- عطف به «أَنْ تَتْرُكَ» با قرائت «تفعل» و «تشاء»

وجه دیگر در عطف عبارت: «أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ» به «أَنْ تَتْرُكَ» با قرائت فعل «تفعل» به صورت «تفعل» و قرائت «تشاء» به صورت «تشاء» (مفرد مذکر مخاطب) است. با این قرائت معنای آیه چنین خواهد بود: «آیا نماز تو امر می‌کند رها کنیم آنچه پدرانمان می‌پرستیدند یا امر می‌کند درباره اموالمان آن‌طور که تو می‌خواهی عمل کنی» (أُ صِلُوتُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ تَتْرُكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ تَأْمُرُكَ أَنْ تَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا تَشَاءُ). از ضحاک بن قیس، ابن ابی عبده، زید بن علی و ابی عبد الرحمن این قرائت گزارش شده است (ابوحیان، ۱۴۲۰ق، ج ۶، ص ۱۹۷). در میان مفسران، نحّاس (۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۱۸۰)، ابن عطیه (۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۲۰۰)، ثعلبی (۱۴۲۲ق، ج ۵، ص ۱۸۶)، قمی مشهدی (۱۳۶۸، ج ۶، ص ۲۲۷)، شوکانی (۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۵۸۸)، صدیق‌حسن‌خان (۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۳۴۸) این احتمال را مطرح کرده‌اند.

۱-۳- جمع بندی

به طور کلی دو دیدگاه برای معطوف علیه عبارت: «أَوْ أَنْ نَفَعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ» وجود دارد؛ دیدگاه اول—که وجه غالب است—عطف آن به عبارت «مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا» است و جمله در اصل چنین بوده است: «تَأْمُرُكَ أَنْ تَتْرُكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ تَتْرُكَ أَنْ نَفَعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ». دیدگاه دوم، عطف به عبارت «أَنْ تَتْرُكَ» است؛ با توجه به صورت‌های مطرح در قرائت دو فعل «نَفَعَلَ» و «نَشَاءُ»، برای دیدگاه اخیر چهار حالت قابل طرح است: ۱- عطف به «أَنْ تَتْرُكَ» با قرائت «نَفَعَلَ» و «نَشَاءُ» (قرائت مشهور)، ۲- عطف به «تَأْمُرُكَ» و در نظر گرفتن فعل نهی در مقابل فعل امر معطوف علیه («تَأْمُرُكَ»). ۳- عطف به «أَنْ تَتْرُكَ» با قرائت «نَفَعَلَ» و «نَشَاءُ»، ۴- عطف به «أَنْ تَتْرُكَ» با قرائت «تَفَعَلَ» و «نَشَاءُ».

وجه اول (عطف به عبارت «مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا») با سیاق و مضمون آیه هماهنگ بوده و در عین ارائه معنای صحیح، از کژی معنا و مفهوم مصون است. قاطبه مفسران و نحویان این دیدگاه را باورمند هستند و به هنگام تبیین آیه بر اساس آن عمل کرده‌اند و وجوه دیگر را تنها به عنوان احتمال مطرح کرده‌اند.

۲- ارزیابی رویکرد مترجمان در ترجمه عبارت: «أَوْ أَنْ نَفَعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ»

با بررسی ۳۲ ترجمه قرآن روشن گردید که مترجمان در ترجمه عبارت: «أَوْ أَنْ نَفَعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ» چهار رویکرد متفاوت داشته‌اند: ۱- ترجمه «أَنْ نَفَعَلَ» به صورت منفی، ۲- ترجمه «أَنْ نَفَعَلَ» با عطف به «أَنْ تَتْرُكَ»، ۳- ترجمه «أَنْ نَفَعَلَ» با فعلی کمکی، ۴- ترجمه «أَنْ نَفَعَلَ» با عطف به «مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا». جز یک رویکرد در باقی ترجمه‌ها برگردان درستی از عبارت صورت پذیرفته است. در ادامه هر چهار دسته مطرح و مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

۱-۲- ترجمه «أَنْ نَفَعَلَ» به صورت منفی

از میان ترجمه‌های بررسی شده، ۱۵ مترجم با این فرض که عبارت «أَوْ أَنْ نَفَعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ» عطف بر «أَنْ تَتْرُكَ» است، آن را ترجمه کرده‌اند؛ وجهی که روشن شد در معرض نقد قرار دارد و معنای صحیحی از آیه ارائه نمی‌کند. آنان برای ارائه معنای قابل پذیرش از عبارت

ارزیابی رویکردهای مترجمان در ترجمه عبارت «أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ» . . . ۳۱

مذکور ناچار گردیده‌اند، «أَنْ نَفْعَلَ» را به صورت منفی: «أَنْ لَا نَفْعَلَ» ترجمه کنند؛ این در حالی است که قرینه‌ای دال بر تقدیر «لا» وجود ندارد و چنین وجهی را مفسران و ادیبان مطرح نکرده‌اند.

آیتی: «گفتند: ای شعیب، آیا نمازت به تو فرمان می‌دهد که ما آنچه را پدرانمان می‌پرستیدند ترک گوئیم، یا در اموال خود آن چنان که خود می‌خواهیم تصرف نکنیم؟».

پاینده: «گفتند: ای شعیب! مگر نمازت فرمانت می‌دهد که ما آنچه را که پدرانمان می‌پرستیده‌اند، رها کنیم و در اموال خویش چنانکه خواهیم تصرف نکنیم».

پورجوادی: «گفتند: ای شعیب آیا به فرمان نماز توست که باید معبودهای نیاکانمان را رها کنیم و بنا به میل خودمان در اموالمان تصرف نکنیم؟».

صفوی: گفتند: «ای شعیب، آیا نماز تو به تو فرمان می‌دهد که ما آنچه را پدرانمان می‌پرستند رها کنیم، یا در اموال خود آن‌گونه که می‌خواهیم تصرف نکنیم؟».

طاهری قزوینی: گفتند: ای شعیب، آیا دین تو فرمانت می‌دهد که ما آنچه را که پدرانمان بندگی می‌کردند رها کنیم یا در اموال خویش چنان که می‌خواهیم تصرف نکنیم؟».

فولادوند: «گفتند: ای شعیب، آیا نماز تو به تو دستور می‌دهد که آنچه را پدران ما می‌پرستیده‌اند رها کنیم، یا در اموال خود به میل خود تصرف نکنیم؟».

موسوی گرمارودی: «گفتند: ای شعیب! آیا دینت تو را می‌دارد که (به ما بگویی) آنچه را پدرانمان می‌پرستیدند وانهیم یا با دارایی‌های خود آنچه می‌خواهیم انجام ندهیم».

مکارم شیرازی: «گفتند: ای شعیب! آیا نمازت به تو دستور می‌دهد که آنچه را پدرانمان می‌پرستیدند، ترک کنیم؛ یا آنچه را می‌خواهیم در اموالمان انجام ندهیم؟!».

رضایی: «(مخالقان) گفتند: ای شعیب! آیا نمازت به تو فرمان می‌دهد که (بگویی): آنچه را پدرانمان می‌پرستیدند، ترک کنیم؛ یا اینکه در اموالمان، آنچه را می‌خواهیم انجام [ن] دهیم».

فارسی: «گفتند: ای شعیب، آیا نماز تو حکم می‌کند به تو که آنچه را پدران ما می‌پرستیدند ترک کنیم یا در اموال خود آنچه می‌خواهیم نکنیم؟».

صلواتی: «گفتند: ای شعیب! آیا نمازت فرمانت می‌دهد که آنچه را پدرانمان می‌پرستیدند رها کنیم، یا در اموالمان آنچه می‌خواهیم نکنیم؟».

برزی: «[قوم مدین با تمسخر] گفتند: ای شعیب! آیا نمازت به تو فرمان می‌دهد که آنچه را پدرانمان می‌پرستیدند رها کنیم یا این که در اموالمان هر آن چه خواهیم عمل نکنیم؟».

مرکز فرهنگ و معارف قرآن: «گفتند: ای شعیب، آیا نماز تو، تو را وامی‌دارد که [به ما دستور دهی] آنچه را پدرانمان می‌پرستیدند رها کنیم یا در اموالمان به دلخواه خود عمل نکنیم؟».

کاویان‌پور: «گفتند: یا شعیب، آیا نماز تو بر تو امر میکند که ما از آنچه پدران و نیاکان ما پرستش میکردند، بکلی دست برداریم یا اختیار اموال خودمان را نداشته باشیم؟».

حجتی: «گفتند: ای شعیب آیا نمازت به تو دستور می‌دهد که ما آنچه را که پدرانمان می‌پرستیدند ترک گوئیم؟ و اموالمان را آن‌گونه که می‌خواهیم به مصرف نرسانیم؟».

چنان‌که روشن است در این ترجمه‌ها از شش معادل برای ترجمه «أَنْ نَفْعَلَ» استفاده شده است: «تصرف نکنیم» (۶ ترجمه)، «انجام ندهیم» (۳ ترجمه)، «نکنیم» (۲ ترجمه)، «عمل نکنیم» (۲ ترجمه)، «نداشته باشیم» (۱ ترجمه)، «مصرف نرسانیم» (۱ ترجمه). روشن است همه مترجمان به لغزش دچار شده‌اند؛ زیرا این تعابیر زمانی درست است که در آیه عبارت: «أَنْ لَا نَفْعَلَ» به کار رفته باشد.

۲-۲- ترجمه «أَنْ نَفْعَلَ» با عطف به «أَنْ تَتْرُكَ»

چنان‌که پیش‌تر گذشت وجه نادرست در اعراب عبارت محل بحث عطف: «أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ» به «أَنْ تَتْرُكَ» با حفظ همان قرائت مشهور دو فعل «نفعل» و «نشاء» (صورت متکلم مع الغیر) است. این وجه، معنای ناصوابی را از آیه ارائه می‌دهد. از دیدگاه‌های مطرح در بخش پیشین، روشن شد که مفسران و عربی‌دانان این وجه را نپذیرفته‌اند؛ با این وجود، ۵ مترجم در ترجمه خود این عطف را انجام داده و ترجمه‌های ذی را ارائه کرده‌اند.

ارزیابی رویکردهای مترجمان در ترجمه عبارت «أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ» . . . ۳۳

رهنما: گفتند: «ای شعیب! آیا نماز تو فرمان دهد ترا که آنچه را پدران ما می‌پرستیدند، ترک کنیم، یا در اموال خود آنچه می‌خواهیم بکنیم».

شعرانی: «گفتند ای شعیب آیا نماز تو یعنی دعای تو فرمود ترا که ترک کنیم آنچه را می‌پرستیدند پدران ما یا آنکه بکنیم در مالهامان آنچه می‌خواهیم».

مصباح زاده: «گفتند ای شعیب آیا نماز "دعای" تو فرمود ترا که ترک کنیم آنچه را می‌پرستیدند پدران ما یا آنکه بکنیم در مالهامان آنچه می‌خواهیم».

معزی: «گفتند ای شعیب آیا نمازت فرمانت دهد که رها کنیم آنچه را می‌پرستیدند پدران ما یا آنکه کنیم در مالهای خود هر آنچه خواهیم».

ناشناخته قرن دهم: «گفتند: ای شعیب! ا نمازهای تو می‌فرماید ترا که گذاریم آنچه می‌پرستید پدران ما یا کنیم در خواسته‌های خویش آنچه می‌خواستیم؟».

طبق مفاد این ترجمه‌ها، معنای آیه چنین خواهد بود: «گفتند: ای شعیب! آیا نماز تو امر می‌کند که آنچه پدرانمان می‌پرستیدند ترک کنیم یا (امر می‌کند) آنچه که می‌خواهیم در اموالمان انجام دهیم...». این معنا و مفهوم—که قوم شعیب (ع) آزاد باشند که هر گونه مایلند در اموال خود تصرف کنند—در مقابل نص صریح قرآن قرار دارد که شعیب (ع) از قومش—که به کم‌فروشی دچار بودند و در معاملات خود از پیمانانه و ترازو می‌کاستند و از استیفای حقوق مردم دریغ می‌ورزیدند—خواستہ بود از فساد مالی رایج در میانشان بپرهیزند: «وَاِذَا قَوْمٌ اَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ اَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْاَرْضِ مُفْسِدِينَ» (هود / ۸۵).

غیر از ابن‌هشام که چنین عطفی را نادرست و معنای مستفاد از آن را باطل دانسته است (ابن‌هشام، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص. ۵۲۹). برخی مفسران تصریح کرده‌اند که چنین عطفی معنای نادرستی از آیه به‌دست می‌دهد و فساد مفهوم را در پی دارد (رک: طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۲، ص. ۶۲؛ طوسی، بی تا ج ۶، ص. ۵۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص. ۲۸۴؛ ابن‌عطیه، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص. ۲۰۰).

دو مترجم برای آن که از عبارت: «أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ»، معنای صحیحی ارائه دهند، افعال: «نتوانیم» یا «مانع شود» را اضافه کرده‌اند:

ارفع: «گفتند: ای شعیب! آیا نمازت به تو فرمان می‌دهد که ما دست از خدایان پدرانمان برداریم یا نتوانیم به‌طور دلخواه در اموالمان تصرف کنیم؟»

بروجردی: «قوم بمسخره بشعیب گفتند آیا نماز تو بتو امر میکند که ما را از پرستش معبودهای پدرانمان باز داشته و یا مانع شود که ما بدخواه خود تصرف در اموال خود نکنیم.»

به‌نظر می‌رسد چنین ترجمه‌ای نادرست باشد؛ زیرا قرینه‌ای لفظی یا عقلی بر تقدیر افعال: «نتوانیم» یا «مانع شود» وجود ندارد و در بین وجوه محتمل برای عطف آیه نیز چنین تقدیری دیده نمی‌شود. چنان‌که گذشت تنها وجهی که تقدیر فعل مطرح است، تقدیر فعل «تنهی» در ابتدای «أَنْ نَفْعَلَ...» و عطف آن به عبارت «أَنْ تَتْرُكَ» است. با تقدیر فعل «تنهی» معنای عبارت چنین خواهد بود: «یا (نهی می‌کنی) از این که در اموالمان آنچه می‌خواهیم انجام دهیم.»

۴-۲- ترجمه «أَنْ نَفْعَلَ» با عطف به «مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا»

دسته چهارم مترجمان، عبارت: «أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ» را به «مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا» عطف کرده‌اند. چنان‌که گذشت این عطف صحیح‌ترین وجه می‌باشد و بر این اساس باید در ترجمه این فقره، عبارت «أَنْ تَتْرُكَ» را تکرار کرد، از این روی ترجمه آن چنین خواهد بود: «یا آنچه را که درباره اموالمان می‌خواهیم انجام دهیم ترک کنیم». ۱۰ مترجم—با اختلاف در واژگان، اما مفهومی یکسان—چنین ترجمه‌ای را از عبارت مذکور ارائه کرده‌اند.

انصاریان: «گفتند: ای شعیب! آیا نمازت به تو فرمان می‌دهد که آنچه را پدرانمان می‌پرستیدند رها کنیم؟ یا از اینکه در اموالمان به هر کیفیتی که می‌خواهیم تصرف کنیم دست برداریم؟»

قرشی: «گفتند: ای شعیب آیا نماز تو دستور می‌دهد که عبادت پدرانمان را ترک کنیم یا از آنچه می‌خواهیم در اموالمان دست برداریم.»

ارزیابی رویکردهای مترجمان در ترجمه عبارت «أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ» . . . ۳۵

خسروی: «و آیا باز امر دین تو این است که ما از آنچه برای ازدیاد و نمو اموالمان می‌کنیم و از سعی و کوشش و نشاطی که برای توسعه زندگیمان بکار می‌بریم دست برداریم».

الهی قمشه^{۶۱} ای: «قوم گفتند: ای شعیب، آیا این نماز تو، تو را مأمور می‌کند که ما دست از پرستش خدایان پدرانمان و از تصرف در اموال به دلخواه خودمان برداریم؟!».

سراج: «گفتند ای شعیب آیا نماز تو فرمانت می‌دهد به (تکلیف) اینکه ترک کنیم خدایانی را که پرستیده‌اند پدرانمان یا دست برداریم در اموال خود هر تصرفی که می‌خواهیم».

عاملی: «آن مردم باو گفتند: مگر نماز [و آئین] تو فرمانت کند که آنچه پدران ما می‌پرستیدند رها کنیم و از آنچه بدخواه خود بسرمایه‌مان می‌کردیم دست برداریم».

یاسری: «قوم او گفتند: ای شعیب! آیا نماز تو امر می‌کند تو را که بگویی به ما اینکه: ترک کنیم ما آنچه را که می‌پرستیدند پدران ما یا اینکه ترک کنیم ما تصرف در مالهای خود را به دلخواه خود؟».

مشکینی: «گفتند: ای شعیب، آیا نمازت تو را دستور می‌دهد که ما آنچه را پدرانمان می‌پرستیدند رها کنیم یا آنچه را که می‌خواهیم در اموالمان انجام دهیم ترک نماییم؟».

نوبری: «گفتند ای شعیب آیا نماز تو، به تو امر می‌کند تا به ما امر کنی این را که ما عبادت معبودانی را که آباء و اجدادمان می‌پرستیده‌اند ترک کنیم؟ (چون حضرت شعیب نماز زیاد می‌خواند بدان سبب قومش استهزاء کرده این سخن را گفتند) و یا نماز تو می‌گوید که مال متصرفی خودمان را ترک کرده به گفته تو عمل کنیم؟».

شاه ولی‌الله دهلوی: «گفتند ای شعیب آیا نماز تو می‌فرماید ترا که بگذاریم آنچه می‌پرستیدند پدران ما یا بگذاریم آنکه کنیم در مال خود هر چه خواهیم».

* بررسی ترجمه‌های مذکور حاکی از آن است که مترجمان برای نشان دادن عطف «أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ» به «مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا» و ترجمه عبارت «أَنْ نَتْرُكَ» بدین صورت عمل کرده‌اند: شش مترجم تعبیر: «دست برداریم» یا «دست برداریم»، سه مترجم تعبیر: «ترک کنیم»، «ترک نماییم»، «ترک کرده» و یک مترجم تعبیر: «بگذاریم» را به کار گرفته‌اند.

نتیجه‌گیری

۱- درباره عطف عبارت: «أَوْ أَنْ نَفَعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ» در آیه ۸۷ سوره هود دو دیدگاه گزارش شده است؛ دیدگاه اول- که وجه غالب است- عطف آن به عبارت «مَا يَعْْبُدُ آبَاؤُنَا» است و جمله در اصل چنین بوده است: «تَأْمُرُكَ أَنْ تَنْتَرِكَ مَا يَعْْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ تَنْتَرِكَ أَنْ نَفَعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ». دیدگاه دوم، عطف به عبارت «أَنْ تَنْتَرِكَ» است. وجه اول با سیاق و مضمون آیه هماهنگ بوده و مفهوم آیه از کژی مصون مانده و معنای صحیحی از آن به دست می‌دهد.

۲- با بررسی ۳۲ ترجمه قرآن روشن گردید که مترجمان در ترجمه عبارت فوق چهار رویکرد داشته‌اند: الف) در ۱۵ ترجمه، «أَنْ نَفَعَلَ» به صورت منفی: «أَنْ لَا نَفَعَلَ» ترجمه شده است، قرینه‌ای دال بر تقدیر «لا» وجود ندارد و چنین وجهی را مفسران و ادیبان مطرح نکرده‌اند، ب) در ۵ ترجمه، «أَنْ نَفَعَلَ» با عطف به «أَنْ تَنْتَرِكَ» ترجمه شده است. این وجه، معنای نادرستی از آیه ارائه می‌دهد و مفسران و زبان‌دانان عربی، آن را را نپذیرفته‌اند، ج) در ۲ ترجمه برای آن که مترجمان از عبارت: «أَوْ أَنْ نَفَعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ»، معنای صحیحی ارائه دهند، افعال: «تتوانیم» یا «مانع شود» را اضافه کرده‌اند. به نظر می‌رسد چنین ترجمه‌ای نادرست باشد، زیرا قرینه‌ای بر تقدیر این افعال وجود ندارد، د) در ۱۰ ترجمه مترجمان عبارت: «أَوْ أَنْ نَفَعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ» را به «مَا يَعْْبُدُ آبَاؤُنَا» عطف کرده‌اند. این ترجمه، صورت صحیح برگردان عبارت مذکور می‌باشد. جدول ذیل مقایسه رویکرد مترجمان است:

ردیف	رویکردها	تعداد ترجمه	ترجمه درست	ترجمه نادرست
۱	ترجمه «أَنْ نَفَعَلَ» به صورت منفی	۱۵		✓
۲	ترجمه «أَنْ نَفَعَلَ» با عطف به «أَنْ تَنْتَرِكَ»	۵		✓
۳	ترجمه «أَنْ نَفَعَلَ» با فعلی کمکی	۲		✓
۴	ترجمه «أَنْ نَفَعَلَ» با عطف به «مَا يَعْْبُدُ آبَاؤُنَا»	۱۰	✓	
	مجموع ترجمه‌ها	۳۲		
	تعداد ترجمه‌های درست		۱۰	

۲۲	تعداد ترجمه‌های نادرست
----	------------------------

۳- طبق یافته‌های پژوهش روشن گردید که توجه دقیق و علمی به جایگاه ادبی واژگان و عبارات قرآنی، نقش بسزایی در ارائه ترجمه صحیح دارد، از این رو ضرورت دارد ترجمه‌پژوهان رویکردهای ادبی مترجمان را با دقت مورد بررسی قرار دهند. همچنین پیشنهاد می‌شود ترجمه آیات و عبارات قرآنی که وجه اعرابی دشوار یا دیریاب دارند، مطالعه گردیده و توفیق یا عدم توفیق مترجمان در برگردان صحیح آن‌ها در قالب نوشتارهای علمی ارائه گردد.

منابع:

- ابن هشام، جمال‌الدین (۱۴۰۴ق). *معنى اللبيب*. قم: منشورات مکتبه آیت‌الله العظمی المرعشی النجفی.
- ابن‌انباری، عبدالرحمن (۱۳۶۲). *البيان في غريب اعراب القرآن*. قم: موسسه دار الهجره.
- ابن‌جوزی، عبدالرحمن (۱۴۲۲ق). *زاد المسیر فی علم التفسیر*. بیروت: دار الکتب العربی.
- ابن‌عاشور، محمدطاهر (۱۴۲۰ق). *تفسیر التحرير و التنویر*. بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
- ابن‌عطیه، عبدالحق (۱۴۲۲ق). *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز*. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابوحیان، محمد بن یوسف (۱۴۲۰ق). *البحر المحیط فی التفسیر*. بیروت: دار الفکر.
- ابیاری، ابراهیم (۱۴۰۵ق). *الموسوعة القرآنية*. قاهره: موسسه سجل العرب.
- ثعلبی، احمد (۱۴۲۲ق). *الکشف و البیان*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- درویش، محی‌الدین (۱۴۱۵ق). *اعراب القرآن الکریم و بیانہ*. حمص: الارشاد.
- دره، محمدعلی طه (۱۴۳۰ق). *تفسیر القرآن الکریم و اعرابه و بیانہ*. بیروت: دار ابن کثیر.
- زحیلی، وهبه (۱۴۱۱ق). *التفسیر المنیر فی العقيدة و الشريعة و المنهج*. دمشق: دار الفکر.
- سرخسی، شمس‌الدین (۱۴۰۶ق). *المبسوط*. بیروت: دار المعرفه.
- سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۲۱ق). *الإیتقان فی علوم القرآن*. بیروت: دار الکتب العربی.
- شرف‌الدین، جعفر (۱۴۲۰ق). *الموسوعة القرآنية*. خصائص السور. بیروت: دار التقريب بين المذاهب الاسلاميه.
- شوکانی، محمد (۱۴۱۴ق). *فتح القدير*. دمشق: دار ابن کثیر.
- صافی، محمود (۱۴۱۸ق). *الجدول فی اعراب القرآن و صرفه و بیانہ*. دمشق: دار الرشید.

- صدیق حسن خان، محمد صدیق (۱۴۲۰ق). *فتح البیان فی مقاصد القرآن*. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار المعرفه.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*. تهران: مرتضوی.
- طوسی، محمد (بی تا). *التبیین فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- علوان، عبدالله (۱۴۲۷ق). *اعراب القرآن الکریم*. مصر: دار الصحابه.
- فخر رازی، محمد (۱۴۲۰ق). *التفسیر الکبیر*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- فراء، یحیی (۱۹۸۰م). *معانی القرآن*. قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- قمی مشهدی، محمد (۱۳۶۸). *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- قیسی، مکی بن ابی حموش (۱۴۲۳ق). *مشکل اعراب القرآن*. بیروت: دار الیمامه.
- کاشانی، فتح الله (۱۴۲۳ق). *زبدة التفاسیر*. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
- مراغی، احمد مصطفی (بی تا). *تفسیر المراغی*. بیروت: دار الفکر.
- نحاس، احمد بن محمد (۱۴۲۱ق). *اعراب القرآن*. بیروت: منشورات محمد علی بیضون.
- نووی، محمد (۱۴۱۷ق). *مراح لبید لکشف معنی القرآن المجید*. بیروت: دار الکتب العلمیه.

نرم افزارها

جامع تفاسیر نور (نسخه ۳)، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور)